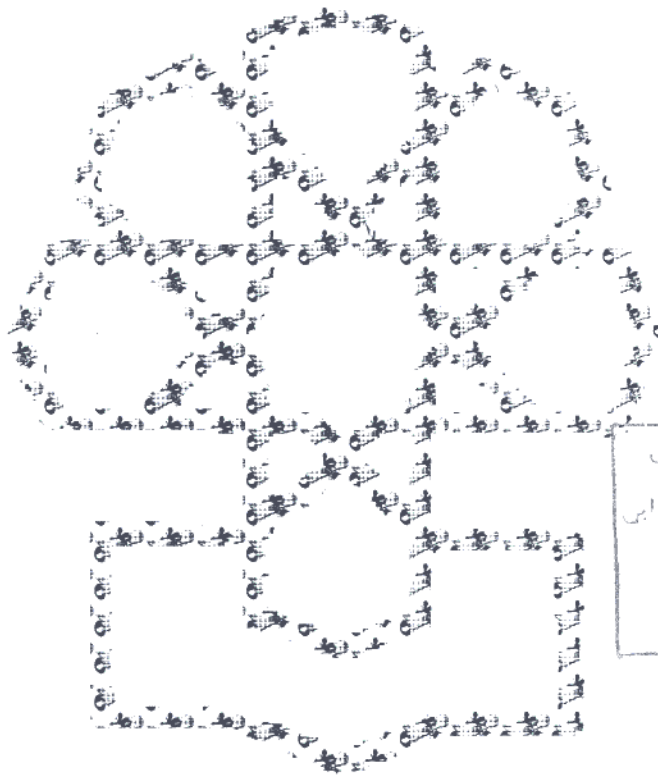


۴۵۲۸
۲



متن سخنرانی نخست وزیر ایتالیا در دانشگاه تهران



مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع رسانی
شماره: ۹۴۸۵
تاریخ: ۷۷/۱۸/۱۰

معاونت پژوهشی
مهر ۱۳۷۷

پیاده سازی و ویرایش از: گروه ویژه خدمات اطلاع رسانی

کد گزارش: ۲۲۰۳۵۲۶

مقام محترم ریاست دانشگاه، مقام‌های محترم، دوستان عزیز، مایل هستم تا پیش از هرچیز به گونه‌ای صمیمانه از مقام‌های ارجمند علمی دانشگاه تهران که اینجانب را مفتخر به استادی افتخاری رشته اقتصاد نمودند، سپاسگزاری به عمل آورم.

آنچه که به ویژه موجب خرسندی این جانب را فراهم می‌آورد، نه صرف شناخت ارزش‌های علمی شخص اینجانب، هر آنچه که می‌خواهد باشد، بلکه بیش از هر چیز ارزش‌گذاری است که اعتقاد دارم تشکیل دهنده پایه‌این تصمیم باشد. یعنی پذیرش این نکته که علوم اقتصادی امروزه پدید آورنده یک زبان کاملاً بین‌المللی می‌باشد.

تمامی اقتصاددانان با زبانی مشترک سخن می‌گویند، مستقل از مکاتب فکری یا نظریه‌های منتخب هر یک از آنها. امروز در پی افتخاری که دانشگاه پایتخت ایران به یک اقتصاددان ایتالیایی اهدا نموده است، گواه و تأییدی است بر آن چه اشاره رفت. اقتصاددانی که اینک با مسئولیت‌هایی متفاوت جهت بازدید از کشور شما به ایران بازگشته است. مایل می‌باشم نقطه نظرات چندی را با حرکت از این نقطه حضورتان ارائه دهم. زبان اقتصاددانان امروز تبدیل به زبان جهانی گردیده است. لیکن اقتصاد نیز هر روزه بیش از روز پیش جهانی می‌گردد. امروزه ما شاهد پدیده نوینی در تاریخ اقتصاد جهان هستیم، پدیده‌ای که عنوان جهان شمولی را به خود اختصاص داده است.

در پی آن نیستم که در اینجا وارد یک تحلیل علمی از پدیده بشوم، بلکه معتقد هستم که این محفل از این نکته به خوبی آگاهی دارد و صرفاً مایل هستم، یادآور شوم که این پدیده نوین که تشکیل دهنده خط‌مشی گرایش اقتصاد جهانی می‌باشد، به همراه زنجیره‌ای از جنبه‌های بالقوه منفی ولی زنجیره‌ای از جنبه‌های بدون تردید بس مثبت را به همراه دارد. جنبه‌های بالقوه منفی در واقع نشأت گرفته از این واقعیت می‌باشند که این شرایط متقابل که در حال شکل‌گیری به گونه‌ای گسترده و منسجم می‌باشد، همواره رابطه‌ای میان دو طرف هم‌مطراز نمی‌باشد. از میان کشورهایایی که در حیطه اقتصاد بین‌المللی مشارکت دارند، همچنان یک نابرابری از نظر تفاهم سیاسی و اقتصادی در برخورداری از توانایی تثبیت هویت خویش، حضور مشروع در صحنه بین‌المللی، برخورداری از ظرفیت حفاظت و توسعه منافع مشروع خویش به گونه‌ای مطلوب در صحنه بین‌المللی مشهود می‌باشد. جهان امروز ما جهانی است که هنوز در آن یک تساوی متعالی تجلی نیافته است. همواره خطر آن وجود دارد که روابط وابستگی متقابل تبدیل به روابط زورمدارانه یا حتی بدتر، سلطه‌گرایانه گردد.

از سوی دیگر مزایای فوق‌العاده‌ای که جهان شمولی می‌تواند دربرداشته باشد، عیان است که این مسئله باعث می‌گردد تا به گونه‌ای فعال اطلاعات و آگاهای‌ها توزیع گردند. به علاوه امکانات رشد و توسعه اقتصادی موجب آن می‌گردند که هر یک به تمامی به دیگران متکی باشند. دیگر یک موجودیت اقتصادی بین‌المللی نمی‌تواند بر خود بی‌بالد، که مطلقاً خودکفاست. زیرا همگی به یکدیگر نیاز داریم. همانا نکته‌ای که تشکیل دهنده محرکه احساس مسئولیت بیشتر و درک و احترام متقابل می‌باشد و باید ما را به سوی اشکال

همیاری بین‌المللی فراتر از آنچه که تاکنون به اجرا گذاشته شده رهنمون سازد. سخن را کوتاه کنیم، این وظیفه جامعه بین‌المللی می‌باشد تا به گونه‌ای هرچه مثبت‌تر توانایی‌های بالقوه جهان شمولی اقتصادی را مورد بهره‌برداری قرار دهد. ولی جامعه بین‌المللی چیزی نیست جز مجموعه‌ای از اعضای آن. هر یک از کشورهای تشکیل‌دهنده وظیفه دارد تا هم خویش را مصروف به آن نمایند تا گرایش جهانی وقایع به این سمت متمایل گردد. یعنی پرهیز از سوء استفاده، بلکه همکاری، پرهیز از پیش‌دوری، بلکه هم‌فکری متقابل و پرهیز از آشفتگی، بلکه گرایش به نظم.

...نیاز به فداکاری‌هایی در کوتاه مدت باشد. زمینه ساز و ضامن رشد و پایدار اقتصادی و رقابت‌فزاينده در بازار جهانی است. این درسی است که ایتالیا طی سال‌های اخیر آموخته است. این مسئله راهنما و هادی سیاست اقتصادی دولت اینجانب است. دولتی که توانسته است اوضاع مالی دولتی را بهبود بخشد و تورم را به طور قطعی شکست دهد. در این راستا دولت اینجانب فرایند توسعه‌ای را آغاز نموده که اولین نتایج آن آشکار شده است حتی در زمینه اساسی اشتغال‌زایی.

ایتالیا بدین وسیله خواهد توانست بیش از پیش نیروی بالقوه خویش و اقتصاد خویش را انسجام بخشد. که به لطف انتخاب اساسی چند سال پیش مبنی بر آزادسازی تبادلات و مشارکت در ساختار اروپایی ایتالیای امروز در اروپا در جایگاه سوم و در سطح جهانی در مقام پنجم ایستاده است.

از سوی دیگر در جهان کنونی همکاری بین‌المللی یک محبت همواره ارزشمند بوده و خواهد بود. همکاری، نیاز به اراده و یک گرایش خاضعانه و سازنده از سوی همگان دارد. چیزی که در تمامی سطوح صدق می‌نماید. در سطح سیاسی مکانی که همگان فراخوانده شدیم تا تلاش نماییم که در میان روابط صلح‌جویانه، همزیستی، همکاری، شناخت متقابل و دوستی را حفظ و توسعه ببخشیم و در سطح اقتصادی مکانی که همگان فراخوانده شده‌اند، تا منابع و توانایی‌های خویش را به گونه‌ای فراگیر در کنار امتیازات فردی امتیازات گروهی را نیز مورد استفاده قرار دهند.

حتی در رابطه با آنچه که آن را امنیت داخلی می‌نامیم، نکته‌ای که به طور مستقیم موجودیت افکار عمومی مردمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، خود تبدیل به موهبتی گردیده است که نیاز می‌رود که از آن صیانت گردد، حتی از طریق همکاری فراملیتی و فرادولتی.

در اینجا به مبارزه بر علیه پدیده‌هایی همچون جنایت‌های سازماندهی شده و تروریسم سیاسی فکر می‌کنم. دورنمای صلح در جهان و امکان گفتگو بین ملل که گام آغازین آن از خاورمیانه می‌باشد، بستگی فراوانی به پرهیز از توسل به هر نوع تروریسم دارد. برای مبارزه مؤثر با تروریسم یک همکاری کامل صادقانه و خالصانه از طرف همه نیاز است و انتظار می‌رود که ایران نقش خویش را تا انتها ایفا نماید.

در بخش فرهنگی و معنوی در نهایت لازم است تا از توانایی پیشبرد یک گفت‌وگو دنباله‌دار بین ادیان و تمدن‌های مختلف که تشکیل‌دهنده بزرگ‌ترین ثروت بشریت است برخوردار بود. بنده بر این اعتقاد نیستم که باید سخنان زیادی بگویم تا موفق‌گردم حضار دقیقی را که اینک در پیش روی دارم در رابطه با این موضوعات متقاعد سازم. کاملاً آگاه هستم که مسئله صلح در خارج از مرزهای، کشوری که طی سالیان متمادی که جنگ گسترده‌ای را پشت سر گذاشته است چه مفهومی دارد. تصور می‌کنم که بدانم صلح در درون مرزهای ملتی که به آینده می‌نگردد و خواهان عملی ساختن آرمان‌های آزادی، مردم‌سالاری، احترام به حقوق بشر به گونه‌ای همگون با ارزش‌های فرهنگی عمیق خویش، آرمان‌ها و ارزش‌هایی که در بطن مبحث اسلامی دولت وجود دارد چه مفهومی دارد.

تنها احترام کامل و بدون محدودیت به حقوق اساسی بشر و به آزادی اندیشه و بیان می‌تواند باعث شکوفایی آن مردم سالاری گردد، تنها ضامن تحقق نیروهای بالقوه هر فرد و هر جامعه است و خواهد بود. از این نکته آگاهی داریم که امروزه صورت واقعیت یافتن سازنده مجموعه حقوقی و روابط بین فردی در درون مرزهای خود مجموعه روابط با خارج با بهره گرفتن از تحولات مثبتی که به ویژه در این برهه زمانی در صحنه بین‌المللی رخ نموده‌اند چه مفهومی دارند و در نهایت شخصاً به نیاز مطلق وجود گفت‌وگو میان تمدن‌های جهانی کنونی اعتقادی بس راسخ داریم. پیش از ورود به تهران در رابطه با مواردی که در پیش اشاره رفته به تعمق پرداختیم و در جریان گفتگوهای خویش با عالی مرتبه‌ترین مقامات و مسئولین کشور ایران تأییدی بر افکار خویش یافتیم. احساسی که به اینجانب القا گردیده است، همانا این احساس می‌باشد که ایران اینک از تمامی توانایی‌ها و ظرفیت‌های مورد نیاز ایفای نقشی همواره مثبت در جامعه و در حیات بین‌المللی برخوردار می‌باشد. آن چیزی که بر این جانب آشکار می‌باشد همانا این نکته است که جهت توانایی گسترده اقتصادی در زمینه‌های گوناگون که بدین سان می‌تواند به نفع اقتصاد جهانی ارزش‌گذاری شود و موجبات ارتقای درجه توسعه کشور و هم‌زمان فعالیت مثبت آن را در مقیاس جهانی فراهم آورد، مناسب می‌باشد. ولی پیش از هر چیز در گفتگوهای امروز خویش به تصمیم ایران مبنی بر ایجاد نقشی فعال و سازنده هم‌نوا با سیاست بین‌المللی تأکید رفت. اعتقاد داریم که ایران فضاهای گسترده‌ای را جهت ایفای این نقش خویش در اختیار دارد.

پیش از هر چیز در سطح جهانی به عنوان اولین موضوع مسئله خطر تکثیر سلاح و تسلیحات هسته‌ای رخ می‌نماید. شخصاً بر این اعتقاد می‌باشم که (همان گونه که تمامی مردم ایتالیا این گونه می‌اندیشند)، که تکثیر هسته‌ای و به طور کلی سلاح‌های کشتار جمعی هیچ معنایی ندارد. به غیر از بر باد دادن منابع ارزشمند مالی در راه هدفی این چنین رقت‌انگیز. به ویژه آن که پی‌گیر کنندگان این سیاست کشورهای هستند که باید همچنان مسئله خطرناک نبود توازن اقتصادی و اجتماعی را در داخل کشور خویش حل و با مسائل نشأت گرفته از مشکلات ناشی از توسعه مقابله نمایند. بدین سان و در هر صورت تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی دست‌یازیدن به تسلیحات درازمدت موجبات کاهش سطح امنیت و همچنین درجه اعتبار و نفوذ در جامعه بین‌المللی می‌گردد.

همچنین معتقد نیستم که ایدئولوژی از توان توجیه این مسئله برخوردار است چرا که بمب‌های اتمی نه ایدئولوژی و نه مذهب دارند.

کاملاً آشکار است که نیاز است تلاش کنیم تا با صبر و استواری قدم، دلایل بروز نبردها و شرایط تنش‌زا را از سر راه برداریم. پس آشکار است اگر چنانچه مایل باشیم تا به گونه‌ای عمل کنیم که جهان شمولی به صورت مثبت رشد کند لازم است، که جامعه بین‌الملل هم همواره بیشتر از اصول قانونی بهره‌مند گردد. نیاز است ابزارهای منسجم را جهت انجام گفت‌وگو میان طرفین گفتگو که از عزت مساوی برخوردار هستند و علی‌رغم وزن یا ابعاد آنها فراهم سازیم.

در این رابطه اعتقاد داریم بازنگری که در چارچوب سازمان ملل متحد در جریان می‌باشد دارای اهمیت به‌سزایی است. این مورد طبیعتاً باید در سطح منطقه‌ای و محلی مورد پی‌گیری قرار گیرد. در اینجا نیز اعتقاد داریم که کشورهایی که تجربه تاریخی جنگ‌های طولانی را پشت سر گذاشته‌اند نسبت به این نقطه نظر به گونه‌ای حساس هستند.

مایل هستیم تا در این رابطه به عنوان نمونه‌ای به مورد اتحادیه‌های اروپایی اشاره کنیم. اتحادیه‌های

اروپایی در سطح بین‌المللی نماد یکی از تجربیات سازندگی اقتصادی و سیاسی دارای بیشترین توفیق از زمان پایان جنگ جهانی دوم می‌باشد. موجودیت اتحادیه اروپا در امروز چه معنایی دارد معنای آن همانا این است که بخش بزرگی از کشورهای اروپایی به گونه‌ای نهایی سنت رقابت، دشمنی و درگیری نظامی را که در طی قرون متمادی از مشخصه‌های تاریخی این قاره بوده است را رها کرده‌اند.

نتیجه مسئله این بوده که اروپا طی ۵۰ سال گذشته در حال تجربه کردن طولانی‌ترین دوره صلح در تاریخ خویش است.

ما توفیق یافته‌ایم همچنین تا به یک اتحادیه اقتصادی هم توسعه ببخشیم که دقیقاً طی هفته‌های اخیر، جهش کیفی بزرگ دیگری در رابطه با جریان گذاشتن پول واحد اروپایی داشته است. سال‌های متمادی است که روندی در جهت سرعت بخشیدن در آینده‌ای نزدیک تحت تأثیر ایجاد پول واحد مرحله به مرحله در همگرایی سیاسی نیز صورت تحقق را به خود خواهد گرفت.

کشورهای عضو اتحادیه اروپا تشکیل دهنده یک حوزه نمونه در عرصه جهانی شامل صلح همکاری و همگرایی و شکوفایی می‌باشد. اتحادیه اروپا در حال تبدیل شدن به قطب ثبات و توسعه در صلح جهانی است. طبیعتاً موفقیت این روند خود نشأت گرفته از این نکته است که اروپایی‌ها از یک فرهنگ و مذهب عمدتاً مشترک هستند، اما تصور نکنید که ملل اتحادیه اروپایی یک بلوک واحد را تشکیل می‌دهند و بالعکس این کشورها کاهش معرفی هستند مشکل از زبان و تاریخ و فرهنگ‌های متفاوت همانا این تفاوت یکی از بزرگ‌ترین دارایی‌های اروپا محسوب می‌شود و به خود اجازه می‌دهد، تا عناصر مکمل در کنار هم قرار گیرند و تشکیل مجموعه‌ای را بدهند که از جمع اجزای آن فراتر است.

همانا بر مبنای این پایه‌ها اتحادیه اروپایی در قبال هریک از کشورها و به ویژه ایران به عنوان طرفی دارای اهمیت اولی جهت پیشبرد کتمان معطوف به احترام کامل و متقابل نسبت به اصول ناظر بر جامعه بین‌الملل مطرح می‌گردد.

در اینجا عنصر دیگری مطرح است که بسیار قابل تأمل است. به خصوص برای شما دانشجویان، که آن هم یکی از نتایج جهان شمولی محسوب می‌گردد. اشاره اینجانب، به رشد مداوم جمعیت غیراروپایی در اروپاست. قسمت اعظم این غیر اروپایی‌ها از مناطق نزدیک جهان عرب به اروپا مهاجرت نموده‌اند که دارای پیامدهایی است. اروپایی‌ها در حال پی بردن هرچه بیشتر به این امر هستند که نمی‌توانند خود را به موعظه منطق گفتمان و تسامح که یکی از بهترین بخش‌های میراث فرهنگی اروپاست تنها در خارج از منزل خویش بسنده کنند. آنها در حال پی بردن به این نکته هستند که باید در داخل خانه خود گفتمان و تسامح را اعمال کنند.

ویژگی چند فرهنگی در اروپا امری اجتناب‌ناپذیر است، که بیش از پیش نمایان می‌گردد. یکی از اساسی‌ترین نگرانی‌های ما حفظ این جنبه چند فرهنگی است که برای هر نوع پیشرفت اجتماعی اجتناب‌ناپذیر است و عبارت است از احترام به حقوق بشر، آزاد و دموکراسی و در داخل هر جامعه‌ای. این اتفاقی نیست که میزان احترام، به این حقوق امروزه یکی از معیارهای بنیادین برخوردی است که جامعه بین‌الملل می‌تواند در مورد هریک از اعضای خود اعمال کنند.

ایتالیا در این تغییرات مهم سهم به سزایی دارد و در منطقه مدیترانه به سوی آفریقا گسترده شده و تجربیات طولانی در تماس با شناخت ملل اسلامی دارد. در حال حاضر ایتالیا میزبان بیشترین تعداد مسلمانان در طول تاریخ خود است. در روم که جز پایتخت ایتالیا، پایتخت جهان کاتولیک نیز می‌باشد، یکی

از بزرگ‌ترین مساجد اروپا بنا شده است. خط مشی دولت بنده در قبال این وضعیت عبارت است از گفت‌وگو و به رسمیت شناختن عزت و وقار هر دین و مذهب، احترام کامل به انتقال فرهنگ‌هایی که دارای آداب و رسوم مختلف می‌باشند و بر این مناسبت که ایتالیا اعتقاد دارد که می‌تواند خود را به عنوان یک طرف مطمئن، سازنده و معتبر در برابر ایران مطرح سازد. معتقد هستیم که گفت‌وگو بین کشورهای با فرهنگ و دارای مذهب متفاوت بسیار ضروری است، دقیقاً به این دلیل که دارای فرهنگ و مذهب متفاوت هستند.

معتقد هستیم که بر این اساس دو کشور ما، می‌توانند هر یک امکانات بالقوه طرف مقابل را به بهره‌وری برسانند. حتی در زمینه مباحثات و همکاری‌های بین‌المللی.

در زمینه سیاسی یک عنصر مهم مشترک همانا اصل گفتگو و همکاری و پرهیز از هرگونه تبعیض است. در زمینه اقتصادی می‌توان منافع مشترک را در امکانات وسیع متقابل، یعنی متشکل از ذخایر هریک از طرفین به صورت فعالیت‌های شرکت‌ها و صنایع و سطح فن‌آوری، جستجو کرد. سخنان خود را در مورد جنبه‌های مثبت و همچنین جنبه‌های بالقوه منفی جهان شمولی آغاز کردم و این سخنان را با تأکید بر این که در زمینه تمدن نوعی جهان شمولی وجود دارد به پایان می‌برم و این که هر کشور متمدن باید کاری کند که این پدیده در کل خود تا سرحد امکان سازنده باشد. بنده به برخورد تمدن‌ها اعتقاد ندارم، تمدن‌ها با یکدیگر برخورد نمی‌کنند درست به این دلیل که بیانگر مثبت‌ترین خصلت‌های بشری هستند. درحافظه تاریخی ایتالیا و اروپا تحسین هر دوت از بزرگ‌منشی و مذهب دولت مردان ایران باستان ثبت شده است. این منافع و جاه‌طلبی‌ها هستند که با یکدیگر برخورد می‌کنند. یا رفتار انسان‌هایی که نمی‌توانند یکدیگر را درک کنند و با یکدیگر برخورد می‌کنند، که پیامدهای آن می‌تواند به صورت وحشتناکی ویرانگر باشد.

بنابراین اجازه بدهید به عنوان پژوهشگر، در دانشگاه، در این محل علم و پژوهش یادآور شوم که تا آنجایی که بنده مطلع هستم، علم فقط درجایی شکوفایی می‌شود که در آن آزادی بیان و اندیشه وجود داشته باشد. این امر در مورد تک تک جوامع و همچنین کل جامعه بین‌الملل نیز صدق می‌کند. مردم سالاری احترام و جفای و دفاع از حقوق فردی و آزادی‌ها لازمه صلح و امنیت و توسعه تک تک کشورهای دنیاست. دوستان عزیز و دانشجویان عزیز، حضور بنده در اینجا به منظور درک بهتر شماست. خاطر نشان می‌کنم که از آغاز رنسانس تا کنون ادبیات ایران در ایتالیا شناخته شده و در مورد آن تحقیقات متعددی صورت گرفته و موجب علاقه‌مندی ایتالیایی‌ها شده است.

گواه این مسئله مجموعه متعددی از کتب خطی ایرانی است که در کتابخانه‌های ایتالیا نگه‌داری می‌شود، مستشرق معروف ایتالیایی «جوان واتیس ریموندی» معتقد بود که رمز این ادبیات در زیبایی زبان فارسی است. او می‌نوشت این زبان به نظر می‌آید هدیه الهی به انسان است برای بیان مفاهیم منظوم.

دانشجویان عزیز از فرصتی که در اختیار من قرار دادید بسیار متشکرم و همچنین از تلاش‌های شما برای درک هرچه بیشتر کشور ایتالیا نیز تشکر می‌کنم.